

رویدادی که آمار می آفریند

علیرضا حسین آبادی

توماس هابز فیلسوف و نظریه پرداز سیاسی و اجتماعی انگلیسی در کتاب مشهورش

(Leviathan "لویاتان) میگوید:

هرگاه مردم جامعه‌ای در موقعیت کاذب قرار بگیرند، واکنش آن‌ها به رویدادهای پیرامونشان نیز کاذب خواهد بود

اینکه واکنش مردم به رویداد بزرگی مانند رویداد طرح سرشماری سال ۹۰ چگونه است، بیشتر به موقعیت‌هایی بستگی دارد که تمامی ارکان حکومت در ارائه آمارهای رسمی به آنان نشان داده است. این مطلع در حقیقت بهانه‌ای است که بینیم تا چه اندازه می‌شود به فرایند گردآوری داده‌ها توسط مرکز آمار ایران در رویداد سرشماری اعتماد کرد.

سرشماری چیست و چه کاربردی دارد؟ این شاید پرسشی باشد که مردم از همدیگر می‌پرسند و در مقابل اجرای این طرح بزرگ به آن واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند. در حقیقت سرشماری عبارت است از شمارش و محاسبه تعداد کل نفرات یا اشیای مورد نظر در یک جامعه که برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌ها به منظور پیش‌بینی وضعیت آینده و فراهم کردن امکانات لازم، انجام می‌شود. مانند تعداد کل نفراتی که در یک کشور زندگی می‌کنند. به همین دلیل دولت‌ها در سراسر جهان تلاش می‌کنند که به صورت دوره‌ای (هر ده سال یک بار) به منظور بروز کردن آمار و اطلاعاتشان و اطلاع از کمیت و کیفیت مردم کشورشان، به اجرای طرح سرشماری دست بزنند.

فرایند تولید آمار در این نوع سرشماری‌ها بیشتر به چگونگی رفتار مردم بستگی دارد. یعنی طرف اصلی در این فراگرد مردم هستند که تا چه اندازه به ماموران آمارگیری پاسخ‌های درست می‌دهند و اطلاعاتی در اختیار آن‌ها برای ثبت در فرم‌های عریض و طویل قرار بدهند که به واقعیت نزدیک باشد. از دیدگاه قانونی و حقوقی هیچ مرجعی نمی‌تواند یک خانوار یا شهروند را مجبور کند که در یک طرح سرشماری می‌بایست به ماموران پاسخ بدهد. بنابراین پاسخ دادن درست و واقعی مردم به ماموران به چند موضوع مهم بستگی دارد.

۱- اعتماد مردم به دولت و فعالیت‌های آماري آن یکی از جستارهایی است که باید در این زمینه

مورد توجه و مذاقه قرار گیرد. اینکه دولت چگونه از این آمارها در فعالیتهای برنامه‌ای خود استفاده می‌کند و تا چه اندازه از آنها در راستای بالا بردن کیفیت زندگی مردم بهره می‌گیرد یکی از مهمترین پرسش‌هایی است که مردم از خود می‌پرسند. هرچه نظام رفتاری يك حکومت یا دولت در بکارگیری این آمارها به صورت واقعی و عینی برای مردم قابل مشاهده باشد، واکنش آنها در دادن آمار درست مناسب‌تر است و هرچه حکومت یا دولتی بی‌توجهی به این امر نشان دهد واکنش منفی از جانب مردم دریافت می‌کند. به راستی وضعیت کنونی کشور ما در این بخش از مسئله چگونه است؟

۲- سازمان ملل در سال ۱۹۹۴ منشوری را به تصویب مجمع عمومی رساند با عنوان "اصول بنیادی آمارهای رسمی" و آن را به کشورها به منظور استفاده و رعایت در فعالیتهای آماری ابلاغ کرد. اصل ششم آن با عنوان "حفظ محرمانگی" یکی از مهمترین اصول این منشور ده‌گانه است. در این اصل آمده است که: "اطلاعات مربوط به اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی که توسط موسسات آمار به منظور تهیه جداول آماری جمع‌آوری می‌شوند، باید کاملاً محرمانه محسوب شده و تنها برای مقاصد آماری مورد استفاده قرار گیرند و دولت‌ها در این زمینه مسئولند". پرسش اصلی مردم در این حوزه این است که تا چه اندازه مرکز آمار ایران توانسته است نسبت به حفظ این اصل به مردم وفادار باشد. شاید نگارنده به عنوان یکی از پژوهشگر و نویسندگی حوزه آمار و اطلاعات باور داشته باشم که این مرکز در این زمینه توانسته است موفق عمل کند، اما مردم به عنوان جامعه‌ای که مورد سرشماری قرار می‌گیرند در جریان این موضوع هستند؟

۳- آمارهایی که از جانب دولت مردان یا سازمان‌های دولتی به هر شکلی منتشر می‌شود یا مدیران دولتی در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها به مردم ارائه می‌دهند را آمارهای رسمی می‌گویند. این نوع آمارها همواره مورد استناد سازمان‌های داخلی و بین‌المللی قرار می‌گیرد. و در نظام برنامه‌ریزی از آنها استفاده می‌شود. پرسش اصلی اینجاست که آیا دولت مردان یا به طور کلی‌تر تمامی ارکان حکومت در کشورما توانسته است در ارائه این آمارها به مردم صادقانه رفتار کند؟ آیا دولتی‌ها و سازمان‌های دولتی تاکنون توانسته‌اند واقعیت‌های موجود را در قالب عدد و رقم که برابند عینیت و وضعیت جامعه است در تمامی زمینه‌ها به افکار عمومی درست ارائه دهند؟ هرچه مردم به ارائه آمارهای منتشر شده توسط دولت بدبین و یا حتی مشکوک باشند، در

این نوع طرح‌های بزرگ یعنی سرشماری پاسخی غیرواقعی می‌دهند. اینجاست که پای نظریه توماس هابز در طرح سرشماری باز می‌شود.

آیا دولت مردان ما با ارائه آمارهای غیرواقعی که با واقعیت‌های موجود جامعه فاصله زیادی دارد، مردم را وادار به کنش متقابل می‌کنند؟ آیا این که تاکنون در ارائه آمار به مردم صداقت داشته‌اند و مردم نیز رفتاری متقابل و مثبت در ارائه آمار به ماموران خواهند داشت؟!

۴- آمار و داده محصول رویداد و حوادث است. یعنی وقتی حادثه‌ای یا عملیاتی در يك مقطع از زمان و در يك مکان رخ می‌دهد، داده و آمار تولید می‌شود. بنابراین هرچه در يك کشوری عملیات و حادثه‌هایی رخ دهد که منجر به ارتقای کیفیت زندگی مردم و بالا رفتن رفاه اجتماعی آنها بشود؛ به تبع آن داده‌ها و آمارها نیز برآیند همین واقعیت است. یعنی آمار و داده به نوعی صورتی دیگر از عملیات است که در قالب عدد و رقم به نمایش درمی‌آید. و برعکس آن نیز صادق است. یعنی هرچه عملیات و حوادثی رخ دهد که منجر به پایین آمدن سطح کیفی زندگی مردم بشود، نتیجه آن نیز تولید داده‌هایی است که نمایانگر همان وضعیت نابهنجار در آن جامعه است. پرسش اصلی این است که آیا دولت و سازمان‌های دولتی توانسته‌اند آمارهایی که محصول رخداد و عملیات است را به همان صورت ثبت، پردازش و منتشر نمایند؟! به تعبیر دیگری آیا آمارهای ارائه شده توسط ارکان دولت برآیند همان عملیاتی است که در واقعیت رخ داده است یا مورد دست‌کاری قرار گرفته است؟!

پاسخ به این پرسش‌ها را نه دولت مردان قادرند بدهند و نه مرکز آمار ایران در این زمینه می‌تواند پاسخی ارائه دهد. پاسخ اصلی را مردم در طول ۲۰ روز اجرای طرح آمارگیری با ارائه آمارهایشان خواهند داد. چنانچه نتایج تولید آمار با روش سرشماری در سال ۹۰ که یکی از همه‌گیرترین طرح‌های آماری در کشور است و هزینه‌ای بالغ بر ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیارد تومان را در برخواهد داشت، قابل اعتماد و استناد باشد؛ پاسخ به چهار پرسش بالا و پرسش‌های فرعی نهفته در آنها يك جمله است: مردم به دولت و ارکان حکومت اعتماد دارند" و چنانچه این داده‌ها قابل اعتماد نباشد پاسخ نیز يك جمله است: " رابطه مردم و ارکان حکومت رابطه‌ای براساس اعتماد نیست".

یادداشت های مرتبط:

<http://atipress.com/Default,fa-IR,AtiPress,Content,NewsDetail,Key,aspx۳۲۹>

<http://atipress.com/Default,fa-IR,AtiPress,Content,NewsDetail,Key,aspx۳۲۸>